

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۵

سال هجدهم، شماره ۷۱، بهار ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: [20.1001.1.20080514.1401.18.71.9.2](https://doi.org/10.20080514.1401.18.71.9.2)

تحلیل آرکی تایپی فضای عرفانی در آرامگاه‌های عارفان دوره ایلخانی

(شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی)

الناز بهنود^۱

لیدا بلیلان اصل^۲

داریوش ستارزاده^۳

چکیده

روانشناسی تحلیلی یونگ ابزار معرفی تازه‌ای جهت فهم معانی و دریافت پیام‌هایی نو از منابع هنری و ادبی به شمار می‌رود. براساس این نظریه، کهن‌الگوها (آرکی تایپ)، بن‌مایه‌ها و تصاویر نمادینی هستند که در اساطیر و فرهنگ‌ها، مفاهیمی مشترک و مشابهی را در ناخودآگاه بشر به‌جای گذاشته‌اند. در میان آثار معماری، آرامگاه‌های عارفان دوره ایلخانی به عنوان فضاهایی عرفانی، یکی از بهترین زمینه‌های ظهور این صور ازل را دارا می‌باشند. یکی از کهن‌الگوهای مهم و محوری که در روانشناسی تحلیلی یونگ مطرح است، کهن‌الگوی رشد (فرآیند تفرّد) می‌باشد که درباره پرسش‌های معنوی در مورد معنای زندگی و هدف هستی مطرح می‌شود. یونگ معتقد است که این کهن‌الگو را فقط می‌توان با اسرار توصیف‌ناپذیر «وحدت عرفانی» قیاس کرد. براساس هدف پژوهش حاضر، که شناخت مفاهیم معنایی آرکی تایپ می‌باشد، ضمن بهره‌گیری از روش محتوای کیفی از رویکردهای مطرح در ادراک نشانه‌ها استفاده شده است. این تحقیق با مطالعه بر روی این لایه‌های نشانه‌ای سعی دارد تا کیفیت و نحوه ارتباط میان تفکر عرفانی، کهن‌الگوها و ساختار معماری فضاها را روشن سازد. با این فرض که توجه به سیر از جهان دنیوی به جهان اخروی همواره در ادبیات و عرفان مورد توجه بوده است، به‌نظر می‌رسد این کهن‌الگو در ساختار معماری آرامگاه‌های مورد نظر بازتاب یافته باشد.

کلیدواژه‌ها:

آرکی تایپ (کهن‌الگو)، عرفان، آرامگاه، معماری عرفانی، ایلخانی.

^۱ - استادیار گروه معماری، مرکز سردرود، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۲ - دانشیار دانشکده هنر و معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نویسنده مسئول: lidabalilan@hotmail.com

^۳ - دانشیار دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

پیشگفتار

بیان مسأله

۲۵۰۰ سال قبل، اسطوره ریاضی یونانی، فیثاغورث^۱ (۵۷۰ تا ۵۰۰ ق.م) مکتبی عرفانی بر این مبنا نهاد که «همه چیز عدد است»، یعنی همه واقعت بر مبنای تجلی ساده اعداد صحیح است. یک قرن و نیم پس از آن ریاضیدان و فیلسوف یونانی، افلاطون^۲ (۴۲۸ تا ۳۴۸ ق.م) چنین استدلال کرد که فراسوی پیدایش واقعت بیرونی، لایه عمیق‌تری از جهان حقیقی هست: جهان متشکل از مُثُل (آرکی تایپ^۳)، همان چیزی که واقعت فیزیکی نسخه فقیر آن است. ما همچون انسان‌های غارنشینی هستیم بی‌خبر از جهان گسترده بیرون. آمیزه‌ای از این افکار در آکادمی که افلاطون تأسیس کرد رشد و نمو یافت ولی پس از اینکه امپراطور مسیحی جاستین^۴ در سال ۵۲۹ آکادمی را به دلیل غیردینی بودن بست، این افکار در هزاره قرون وسطی، از قرن پنجم تا پانزدهم میلادی، به زیر زمین رفتند. اگرچه در این دوره، تاریخ این اندیشه مشکل ساز گشت ولی آن افکار هیچگاه به کلی نابود نگشتند و طی قرون وسطی در شرق و غرب رو آمدند. برای مثال افکار افلاطون و فیثاغورث در مشرق زمین در سنت‌های صوفیانه و عرفانی اسلام زنده نگه داشته شدند (رابرتسون^۵، ۱۳۹۸: ۲). در ایران این افکار در اندیشه‌های سهروردی (افلاطون جهان اسلام) و بعد از آن در قرون هفتم و هشتم هجری قمری همزمان با ورود ایلخانان مغول (۱۳ میلادی) به صورت زبان عرفان و تصوف، هم در حالت نظم و نثر و هم در آثار

^۱ Pythagoras

^۲ Plato

^۳ Archetype: The original pattern or model of which all things of the same type are representations or copies. www.merriam-webster.com/dictionary/archetype

آرکی تایپ: انگاره ازلی، صورت نوعی، طباع اصلی، صورت مثالی، مُثُل اعلی، کهن‌الگو، سرنمون، سرمشق، نخستین بنیاد، عین ثابت. یونگ آن را قالبی بی محتوا می‌انگارد که در خلال تجربیات ازلی و تاریخی انسان شکل گرفته است.

^۴ Justinian

^۵ Robin Robertson

هنری بروز یافتند. در دوره معاصر نیز، افکار افلاطون در فرضیه آرکی‌تایپ یونگ^۱ از نو ظاهر گشتند. کارل گوستاو یونگ روانشناس سوئیسی، کماکان حامی بینش افلاطونی است، به این تعبیر که فراسوی لایه فیزیکی بیرونی جهان و فراسوی جهان درونی روان، جهانی متشکل از مُثُل (آرکی‌تایپ) داریم و چنین استنباط می‌کند که آرکی‌تایپ‌های ابتدایی که تبیین‌کننده نظم و ترتیب و ساختار واقعیت‌اند، همان اعداد ساده‌ای هستند که فیثاغورث دل در گروی آن‌ها داشت (رابرتسون، ۱۳۹۸). یونگ معتقد بود که به جز خودآگاه و ناخودآگاه فردی، بخش دیگری وجود دارد که ناخودآگاه جمعی^۲ نامیده می‌شود که حاوی خاطرات و رفتار نژادی است که فرد آن‌ها را از اجداد خود به ارث می‌برد. این تجربیات جمعی بشر به صورت آرکی‌تایپ (کهن‌الگو) در اسطوره‌ها، متون عرفانی، رؤیاها و نمادها نمایان می‌شوند. از آنجاکه معماری نیز بیانی مکان‌مند و زمان‌مند از اسطوره و نماد است، امکان تجلی آرکی‌تایپ‌ها را در ساختار کالبدی خود دارا می‌باشد (دهقان و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷). در میان زیرمجموعه‌های معماری، معماری آرامگاهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و توجه به آرامگاه و آرامگاه‌سازی در میان جوامع مختلف انسانی معلول عامل عمده اعتقاد به جهان بعد از مرگ و حب ذات است که منبع تاثیر بسیاری از آن‌ها اندیشه‌های ناب عرفانی و صوفیانه بوده است. به نظر می‌رسد معماری مجموعه آرامگاه‌های عارفان دوره ایلخانی نیز به عنوان مراکز عرفان و تصوف، ارتباطی تنگاتنگ با مفاهیم عرفانی و آرکی‌تایپ‌هایی داشته باشند که درباره پرسش‌های معنوی در مورد معنای زندگی و هدف هستی مطرح می‌شوند. این مقاله سعی دارد تا با استناد به روانشناسی تحلیلی یونگ به عنوان ابزار معرفی تازه‌ای جهت فهم معانی و دریافت پیام‌هایی نو از این بناهای ارزشمند، کیفیت و چگونگی این ارتباط را جستجو نماید.

سؤالات تحقیق

۱. ارتباط میان آرکی‌تایپ‌های (کهن‌الگو) یونگی و زبان عرفان دوره ایلخانی به چه شکلی است؟
۲. مفاهیم کهن‌الگویی به چه نحوی در ساختار معماری فضای عرفانی مجموعه آرامگاه‌های عارفان دوره ایلخانی (شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی) عینیت یافته‌اند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Carl Gustaw Jung

² Collective unconscious

بخش اول: مجموعه‌های آرامگاهی

تاکنون مطالعات متعددی پیرامون هنر و معماری دوره ایلخانی و مجموعه آرامگاه‌های این دوره توسط سازمان میراث فرهنگی صورت گرفته که اغلب آن‌ها با رویکرد توصیفی به شرح مشخصات تاریخی-کالبدی و مرمت بناها پرداخته‌اند. مقاله «تأثیر تفکر طریقت بر شکل‌گیری مجموعه مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی» (رضازاده‌اردبیلی و انصاری، ۱۳۹۰)، به بررسی ارتباط میان منازل هفتگانه عرفان عطار نیشابوری و تأثیر این تفکر بر شکل‌گیری فضاهای معماری این مجموعه پرداخته‌است. مقاله «عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده هفتم تا کنون» (کریمی‌ملایر و گذشته، ۱۳۹۶)، در پی تعریف هنر خانقاه‌هایی است که منبع تأثیر آن‌ها اندیشه‌های ناب عرفانی و صوفیانه بوده‌است. مقاله «بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوره اسلامی بنا به آراء ابوسعید ابوالخیر» (حسینی، ۱۳۸۸) نیز به بررسی ارتباط میان جریانات تصوف و به‌خصوص شیخ ابوسعید ابوالخیر و شیوه معماری آرامگاهی این دوره پرداخته‌است. مقاله «معماری گمشده: خانقاه در خراسان سده پنجم» (قیومی بیدهندی و سلطانی، ۱۳۹۳) به بررسی خانقاه‌ها و ویژگی‌های کالبدی و کارکردی و ارتباط آن‌ها با تصوف پرداخته‌است.

بخش دوم: کهن‌الگوها

درباره مقایسه کهن‌الگوهای با آثار ادبی و عرفانی نیز پژوهش‌های متعددی وجود دارد. مقالاتی نیز آراء و گفتار عارفان مسلمان را با کهن‌الگوها مقایسه کرده‌اند که می‌توان به مقالات «مقایسه سیر کمال-جویی در عرفان و روانشناسی یونگ» (میرباقری فرد و جعفری، ۱۳۸۹)، «مقایسه کهن‌الگوهای یونگ با شیوه عرفانی ابوسعید» (ازهای و عرب‌جعفری، ۱۳۹۶)، «نقد و تحلیل کهن‌الگوی سایه باتوجه به مفهوم نفس در عرفان» (روضاتیان و همکاران، ۱۳۹۱) و «آرکی تایپ و مفهوم عرفانی پل» (ساکی و همکاران، ۱۳۹۸) اشاره کرد. در معماری نیز کتابی تحت‌عنوان «معماری آرکی تایپی (کهن‌الگویی)» (گلابچی و زینالی فرید، ۱۳۹۳)، به شناخت و بررسی مفاهیم آرکی تایپی در معماری می‌پردازد. همچنین مقاله «مقایسه تطبیقی مفهوم عروج در مشترکات معماری کهن‌الگو با کالبد معماری» (دهقان و همکاران، ۱۳۹۱) کهن‌الگوی «عروج» برای دست‌یافتن به زبان الگوی واحد در معماری بررسی شده‌است. علی‌رغم تألیف روزافزون آثار پژوهشی با رویکرد نقد روانشناسانه تاکنون پژوهشی مستقل درباره نحوه تجلّی کهن‌الگوها در فضاهای عرفانی مجموعه‌های معماری صورت‌نگرفته‌است. و این موضوع برای نخستین بار در این مقاله بررسی می‌شود.

روش تحقیق

براساس ماهیت پژوهش تحقیق و ازانجاکه نمونه‌های مورد بررسی متعلق به گذشته می‌باشند، این پژوهش از نوع کیفی و به روش تاریخی تفسیری صورت گرفته‌است. برای شناخت رابطه میان معنای مستتر در یک فضای معماری و شکل کالبدی آن مجموعه، نیازمند انجام مطالعه تطبیقی میان آن دو بخش می‌باشیم. در این باره، ضمن گردآوری مستندات و اطلاعات موجود در اسناد، تصاویر و سفرنامه‌ها و بررسی‌های میدانی، با بهره‌گیری از چرخه تفسیر فرآیند نشانگی پیرس^۱ و نقش نشانگی، زاویه دید مخاطب و لایه‌های سیستمی و فرآیندی اکو^۲، سعی در تدوین این ارتباط می‌نماییم. این تحقیق با مطالعه بر روی این لایه‌های نشانه‌ای سعی خواهد داشت تا کیفیت و نحوه ارتباط میان تفکر عرفانی، کهن‌الگوها و ساختار کالبدی مجموعه‌های آرامگاهی، که در یک لایه فرآیندی بزرگتری به نام "تولد، زندگی و مرگ" قرار دارند را روشن سازد. برای دستیابی به سؤال مقاله حاضر، در ابتدا با نگاهی مقایسه‌ای، مفاهیم معنایی آرکی‌تابی‌ها و منازل سلوک عرفانی تحلیل می‌شوند و کهن‌الگوهایی که امکان عینیت‌یافتن در ساختار معماری این مجموعه‌ها را دارند معرفی می‌شوند. در ادامه، آرامگاه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد نشانه‌شناسی، معناهای پنهان عناصر کالبدی آن‌ها تفسیر می‌شوند. در گام بعدی ارتباط میان این حوزه‌ها بر پایه نشانه‌های مذکور، مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً فرآیند خوانش معنایی آرامگاه‌ها براساس تحلیل کهن‌الگویی و رمزگان معماری (رمزگان تکنیکی، رمزگان نحوی و رمزگان معنایی) ارائه می‌گردد.

¹ Charles Sanders Peirce

² Umberto Eco

اکو در توجه به "ضمیر ناخودآگاه ذهن مؤلف" و تبیین این موضوع، ظاهراً تحت تأثیر نظریه فروید در باب نهاد، خود و فراخود بوده‌است. او معتقد است بخش ناخودآگاه ذهن بر بخش خودآگاه آن تأثیر می‌گذارد. و متن با ارائه چارچوب و قوانین کیفیت خوانش، به دنبال آفرینش خواننده نمونه خود است. متن به نحوی فعال زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا خواننده نمونه‌اش را به سوی ماورای فیزیکی متن به حرکت درآورد و او را قادر می‌سازد تا به قرائتی درست از متن دست‌یابد. از نظر او متن در معنای واقعی‌ش دیگر یک پدیده عینی و فیزیکی نیست، بلکه عبارتست از آن چیزی که در فرآیند خوانش شکل می‌گیرد (Eco, 1976: 129-130). اکو رمزگان معماری را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. رمزگان تکنیکی، شامل عناصر نخستین معماری می‌شوند؛ ۲. رمزگان نحوی، که عناصر معماری براساس منطق خاصی در رابطه هم‌نشینی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دلالت معنایی ایجاد می‌کنند؛ ۳. رمزگان معنایی، عناصر معماری دلالت معنایی عمیق‌تری تولید می‌کنند (اکو ۱۳۹۶: ۲۷۷).

مفاهیم نظری پایه تحقیق

جهت تحلیل آرکی تایپی فضای عرفانی مجموعه آرامگاه‌های مورد بررسی، ابتدا شایسته است به مفاهیم معنایی آرکی تایپ و در ادامه به سلوک عرفانی و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر نگاهی بیاندازیم.

آرکی تایپ یا کهن‌الگوی یونگی

کلمه آرکی تایپ حدود پنج یا شش قرن قدمت دارد و برگرفته از واژه یونانی آرکه تیپوس^۱ است. این واژه در فلسفه و روانشناسی به معنای الگوی آغازینه یا کهن‌الگو، خصیصه و سرشت آمده است (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲: ۱۰۴). ابداع این مفهوم را به افلاطون نسبت می‌دهند به عنوان «بیانی تفسیری» از مُثُل، مبنی بر آنکه همه موجودات، مخلوقاتی ساختگی هستند. یونگ از جمله افرادی بود که در قرن بیستم میلادی در ترویج واژه آرکی تایپ نقش به‌سزایی داشت (Jung, 1990). یکی از آرکی تایپ‌های مهم و محوری که یونگ مطرح می‌کند، آرکی تایپ رشد است که برای فرآیند تفرد (فردیت‌یافتگی)^۲ در همه انسان‌ها حیاتی می‌باشد (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۰). فردیت به معنای شخص خود شدن است. بنابراین می‌توان فردیت را «خودبایی» یا «خودشناسی» معنا کرد (پالمر، ۱۳۹۵: ۲۰۳). به گفته یونگ روان انسان کره‌ای است که منطقه درخشان آن گویای خودآگاه است و «من»^۳ در مرکز آن قرار دارد. «خود»^۴ تمامی کره را تشکیل می‌دهد (یونگ، ۱۳۹۵: ۲۴۳). فرآیند فردیت دارای سه مرحله است: ۱. «من» با «خود» یکی می‌شود، ۲. «من» از «خود» جدامی شود و ۳. «من» دوباره با «خود» متحد می‌شود. برطبق این طرح، در پروسه «تولد، زندگی و مرگ»، نیمه نخست زندگی، نشان‌دهنده جدایی تدریجی من از «خود» است و نیمه دوم آن، بیانگر اتحاد مجدد آن دو است (پالمر، ۱۳۹۵: ۲۰۹). یونگ معتقد است حرکت در مسیر فردیت، حرکتی بی‌انتهاست و دستیابی به هر کمال و فردیتی، فرد را به مرحله‌ای برتر و بالاتر رهنمون می‌شود (بیلسکر^۶، ۱۳۹۱: ۵۳).

^۱ Archetypōs

^۲ Processus d' individuation اصل تفرد مفهومی است برگرفته از فلسفه آرتور شوپنهاور. او فضا و زمان را به شکل اصل تفرد تعریف می‌کند، باتوجه به اینکه وی این عبارت را از مکتب اسکولاستیک گرفته است.

اصل تفرد عبارت بود از احتمال چندگانگی. (یونگ، ۱۳۹۷: ۶۰۳)

^۳ Micheal F Palmer

^۴ Ego

^۵ Self

^۶ Richard Bilsker

کهن‌الگوی فرآیند فردیت نیز شامل چهار بخش کلی است: ۱. پرسونا^۱ ۲. سایه^۲ ۳. آنیما/آنیموس^۳ ۴. خود (Quincey, 2011: 4). یونگ معتقد است که این کهن‌الگو را فقط می‌توان با اسرار توصیف-ناپذیر «وحدت عرفانی»^۴ یا تائو^۵ یا محتوای سمادھی^۶ یا تجربه ساتوری^۷ در ذن قیاس کرد که انسان را انسان را به حوزه توصیف‌ناپذیر و سوپژکتیویته^۸ مفرط می‌رساند، جایی که همه ضوابط عقل شکست می‌خورند. این نکته قابل توجه است که این موضوعی تجربی است تا آن جایی که مدارک متفق‌القولی از شرق و همینطور غرب وجود دارد، چه در گذشته دور و چه در عصر حاضر (رابرتسون، ۱۳۹۸: ۳۲۰).

-زبان عرفان در دوره ایلخانان

در قرن هفتم و هشتم هجری زبان تصوف چه در صورت تفسیر و چه در حالت نظم و چه در حالت نثر-چنان که استاد شفیع کدکنی معتقد است- به آخرین حد امکانات خود می‌رسد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). نگاهی به متن‌های ادب صوفیه، این حقیقت را روشن می‌کند که با تکامل زبان صوفی است که تصوف تکامل می‌یابد و از مرز تجارب اولیه زاهدان قرن اول و دوم به مرحله شطحیات بایزید می‌رسد و از این مرحله نیز می‌گذرد تا خود را به جهان پیچیده و پر رمز و راز قرن هفتم و هشتم در آثار صوفیه می‌رساند (همان، ۲۸۰). زبان عرفان در دوره طلایی خود در دوره‌ای که به قول جورج لین^۹ عصر رنسانس تمدن ایرانی محسوب می‌شود (لین، ۱۳۸۹: ۲۰-۳۰) منبع ارزشمندی برای بررسی‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و هنری است. حجم آثار تولیدشده در این عصر در مقایسه با ادوار تاریخی قبل و بعد از خود بسیار شگفت‌انگیز و مهم‌تر پرسش‌انگیز است. اختصاص اموال و اراضی در این دوران به خانقاه‌ها و پیران طریقت قابل‌مقایسه با دیگر ادوار تاریخی نیست و می‌توان از تأسیس هزاران خانقاه و آرامگاه در این عصر سخن گفت (احمدوند و تاجیک، ۱۳۹۶: ۲۵۶).

¹ Persona

² Shadow

³ Anima/Animus

⁴ Uniomystica وحدت عرفانی اصطلاحی است که در قرن سیزدهم برای رجوع به خلسه وحدت با

خداوند رایج شد.

⁵ Tao

⁶ Samadhi در هندوئیسم رجوع به حالت خلسه در مراقبه است.

⁷ Satori در بودیسم ژاپنی به معنی بیداری معنوی.

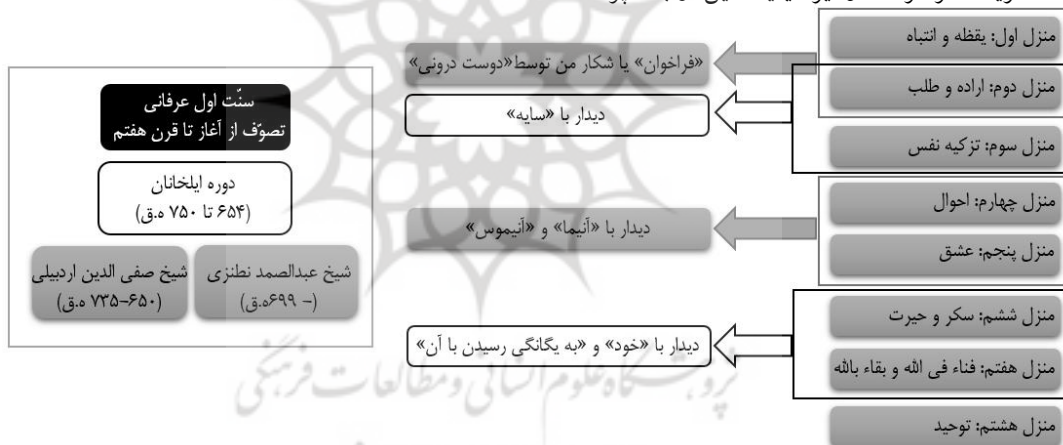
⁸ Subjectivity

⁹ George lin

در بین آرامگاه‌های دوره تاریخی ایلخانی دو آرامگاهی که به صورت مجموعه‌ای از آرامگاه و خانقاه شکل یافته‌اند، مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین می‌باشند که به‌عنوان نمونه‌های مورد بررسی در این مقاله انتخاب شده و مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته‌اند.

-ارتباط میان آرکی تایپ و عرفان

تمام مکاتب عرفانی، همسو و هم‌جهت با فرآیند فردیت درونی انسان‌ها شکل گرفته‌است. بنابراین چارچوب کلی‌ای که یونگ به تدوین آن پرداخت، قابل انطباق بر تمام روش‌های سلوک و خودشناسی است (میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۵). می‌توان سیر تاریخی عرفان اسلامی را به دو سنت تقسیم کرد: سنت اول عرفانی، تصوف را از آغاز تا قرن هفتم دربرمی‌گیرد و سنت دوم عرفانی، سیر تصوف و عرفان اسلامی را بعد از قرن هفتم دنبال می‌کند (میرباقری فرد و رضاپور، ۱۳۹۲: ۱۷۶). در سنت اول عرفانی تنها ابزار شناخت قابل اعتماد که می‌تواند سالک را به مقصود برساند، روش کشف و شهود است (میرباقری فرد، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۵). با وجود انسجام آرای عرفای مکتب نظری عرفان دربارہ مراحل سیروسسلوک عرفانی، آنچه در این پژوهش مبنای بحث و مقایسه واقع شده، با توجه به تاریخ مورد بررسی، آراء و نظرات عرفا تا پیش از قرن هفتم است. در منابع متعددی سلوک عرفانی با کهن الگوی فرآیند فردیت به‌طور تطبیقی مطالعه و مقایسه شده‌است. (تصویر ۱) جهت ارتباط میان این مراتب و نحوه تجلی آن‌ها در ساختار معماری مجموعه آرامگاه‌های عارفان دوره ایلخانی در ادامه به تعریف هر مرحله و نیز کیفیت این ارتباط پرداخته شده‌است.



تصویر ۱. سمت راست: انطباق مراحل سیروسسلوک عرفان با آرکی تایپ فرآیند فردیت (مأخذ: میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۸) سمت چپ: انطباق تاریخ تصوف با دوره تاریخی مورد بررسی در مقاله.

مجموعه آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنزی

شیخ نورالدین عبدالصمد اصفهانی نطنزی از مشایخ و اقطاب صوفیه در قرن هفتم هجری است. آرامگاه وی در نطنز در شمار ابنیه و عمارات ممتاز اوایل قرن هشتم به‌شمار می‌رود. این مجموعه آرامگاهی شامل شبستان هشت ضلعی گنبد دار، مسجد، آرامگاه، سردر خانقاه و مناره مرتفعی است که به استثنای شبستان گنبددار که از بناهای دوره دیلمی است، بقیه مربوط به دوره ایلخانان مغول هستند و در فاصله سال‌های ۷۰۴ تا ۷۲۵ ه.ق بنا گردیده‌اند (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸: ۳۶۹). دو بنای مسجد و آرامگاه در این مجموعه به‌طرز معناداری در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و مجموعه‌ای قدسی، رازآمیز و پرمعنا ساخته‌اند. یکی محل برپایی نماز و پاسداشت شریعت و دیگری محفل طی طریق سالکان و عارفان و مکان پاسداشت طریقت است. آرامگاه دارای گنبد رُک هشت ضلعی و مناره‌ای به ارتفاع ۳۷ متر، که مابین سردر مسجد و سردر خانقاه بنا شده است (ویلبر^۱، ۱۳۶۵: ۱۴۵). بنا در جوار درخت چنار کهنسالی ساخته شده که عمر آن را حدود ۱۸۰۰ سال تخمین زده‌اند. این مجموعه با شماره ۱۸۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. (تصویر ۲) در ادامه، با این فرض که آثار معماری به‌مثابه متون ادبی، واجد تفسیر و تشریح‌اند، شناسنامه کلی فضاها و تجزیه و تحلیل نشانه‌های عناصر معماری فضای آرامگاه براساس فرآیند نشانه‌ای پیرس و رابطه دال و مدلول به شرح جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.



تصویر ۲. نقشه و عکس مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد نطنزی

(مأخذ نقشه: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸: ۳۶۹، مأخذ عکس: نگارندگان)

جدول ۱. شناسنامه کلی فضاهای مجموعه آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنزی

(مأخذ: نگارندگان با استناد به ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۴۷ و پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸: ۳۶۹)

نام فضاها	تاریخ ساخت	کاربری، خصوصیات ساختمانی، تزئینات و مصالح
گنبدخانه	۷۰۷ ه.ق	محل مقبره شیخ عبدالصمد- پلان چلیپایی با گنبد رک (دو پوسته) هشت ضلعی- دارای کاشیکاری رنگ فیروزه ای روشن در زمینه خشتی- دارای محراب و کتیبه گچی و نیم ستون های آجری- مقرنس کاری گچی داخل گنبد بر روی هشت نقطه اصلی و ایجاد نور از هشت پنجره- ازاره اطلاق شامل چند کاشی صلیبی آبی و کاشی های جلادار ستاره ای
مناره	۷۲۵ ه.ق	مناره محل اذان گفتن- بین سردر خانقاه و سردر مسجد- با ارتفاع ۳۷ متر، محیط ۱۲.۸ متر و دارای ۱۱۸ پله مارپیچی- دارای لوحی در پایه آن به تاریخ ۷۲۵ ه.ق- دارای ترکیب سفال آبی و سفال بدون لعاب
سردر خانقاه	۷۱۶ ه.ق	درآیگاه ورودی خانقاه در قسمت شمال مجموعه- دارای تزئین ترکیب سفال لعابی و سفال بدون لعاب- کاشیکاری کامل به رنگ آبی، نیلی و سفید- دارای کتیبه ای به خط کوفی با حروف برجسته نیلی بر زمینه آبی
هشتی	۷۱۶ ه.ق	دهلیز بین ورودی و دالان و حجره های انفرادی- مصالح خشت و آجر
حجره ها	۷۱۶ ه.ق	رواقی، چله نشین ها و حجرات انفرادی- محل عبادت های فردی
جماعت خانه	۷۱۶ ه.ق	سماج خانه یا جماعت خانه- در قسمت شرق و غرب بنا- محل سماع و عبادات جمعی- مصالح خشت و آجر به رنگ خاک

جدول ۲. تجزیه و تحلیل نشانه‌های عناصر معماری آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنزی براساس رابطه دال

و مدلول

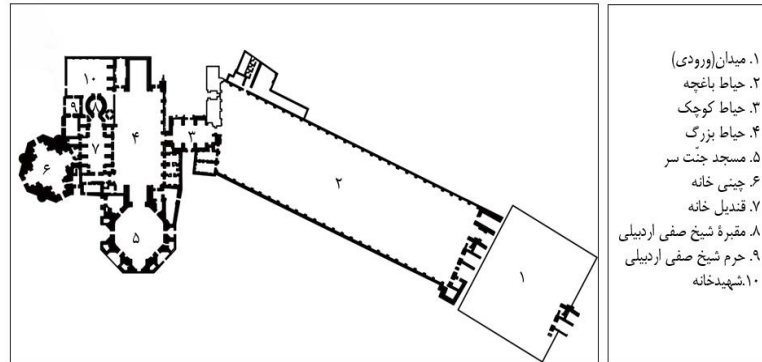
(مأخذ: نگارندگان با استناد به نصر ۱۳۹۴: ۱۶۹ و ۱۸۳ و قیومی بیدهندی، ۱۳۹۳: ۷۶-۷۹)

دال		دال	
خانقاه- خانگاه		آرامگاه- آرامگه- مقبره- بقعه- بنای یادبود	
مدلول		مدلول	
محل تجمع صوفیان، مانویان، کرآمین(قیومی بیدهندی، ۱۳۹۳: ۶۹)		جای آرامیدن- محل آسایش- محل خارج شدن روح از دغدغه های دنیوی و به آرامش رسیدن آن	
دلالت معنایی		دلالت معنایی	
تصوف- عرفان		رجوع و سیر به خداوند- اعتقاد به جهان بعد از مرگ و حب ذات	
دال	مدلول	دال	مدلول
گنبد	دایره	گنبد	آسمان
پلان چلیپایی	چلیپا	پلان چلیپایی	چرخ زندگی، هستی و آفرینش
محراب	قبله	محراب	دروازه ای رو به بهشت
مقرنس	عنصر تزئینی	مقرنس	فیضان نور در عالم مخلوقی خداوند
روزنه نورگیر	خورشید	روزنه نورگیر	نور- آگاهی
کاشی هشت پر	عدد هشت	کاشی هشت پر	هشت بهشت- هشت مرتبه سلوک
مناره	محل اذان گفتن	مناره	پیوند زمین و آسمان- حرکت از خاک به افلاک
نقش کلمه الله	خداوند	نقش کلمه الله	بازگشت به مبدأ- ادراک معانی اسماء الهی

مجموعه آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی

شیخ صفی الدین اردبیلی (۷۳۵-۶۵۰ ه.ق) عارف و شاعر دوره ایلخانی است. بنیان شکل گیری مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی به قرن هشتم هجری بازمی گردد. این مجموعه در ابتدا مسکن شیخ

صفی، خانقاه و محل تجمع مریدان وی بوده و طی چندین قرن احداث گردیده‌است. آدام اولناریوس^۱ می‌نویسد که: "نقش و طرح ساختمان را خود شیخ صدرالدین به‌شکل معجزه داده‌است، او به استاد فرمان داد که چشم خود را ببندد و استاد چنین‌کرد و در رؤیای خود تصویر عمارتی را الهام‌یافته‌است که بعد از آن می‌بایست از روی آن ساختمان نماید" (اردبیلی و انصاری، ۱۳۹۰: ۸۴ نقل از صفری، ۱۳۵۳: ۱۴۴). این مجموعه با شماره ۶۴ در فهرست آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده‌است. (تصویر ۳)



تصویر ۳. نقشه و عکس مجموعه آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی
(مأخذ نقشه: معماریان، ۱۳۹۶: ۲۵۱، مأخذ عکس: بخش آرشیو کتابخانه سازمان میراث فرهنگی استان اردبیل)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Adam Olearius

جدول ۳. شناسنامه کلی فضاهای مجموعه آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (مأخذ: نگارندگان با استناد به پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۸: ۳۵۳ و معماریان، ۱۳۹۶: ۲۵۱ و رضازاده اردبیلی، ۱۳۸۸: ۸۵)

نام فضاها	تاریخ ساخت	کاربری، خصوصیات ساختمانی، تزئینات و مصالح
گنبد الله	۷۳۵ هـ.ق	گنبد اصلی و مقبره شیخ- گنبد ییازی شکل با پلان مدور و از داخل به شکل هشت ضلعی- بنایی به ارتفاع ۱۷.۵ متر با قطر ۶ متر - دارای کتیبه هایی مشتمل بر متون قرآنی و حدیث با کاشی معرق یا خط بنایی- استفاده از فن تلفیق آجر و کاشی- طرح های هندسی با طرح های لوزی با استفاده از کاشی فیروزه ای- کف مقبره سنگ سفید و کاشی های خشتی رنگین به رنگ اخی- دارای طاقما
حرم خانه	۷۲۵ هـ.ق	محل برای بانوان و مقبره آنها- اتاقی مربع با جدارهای سفیدکاری ساده و گنبدی نیم دایره- دارای فیلبوش- دارای کتیبه ای با متن آبی رنگ- کف اتاق کاشی های خشتی سبز رنگ- بیرون گنبد کاشیکاری آبی با طرح های پیچیده هندسی
چینی خانه	۷۳۵ هـ.ق	محل برای سماع دراویش- محل نگهداری و نمایشگاه چینی ها- بنایی هشت ضلعی به قطر ۱۸ متر- دارای چهار شاه نشین- دارای درگاه طاق مانند- دارای ایوان های پنج ضلعی- کاشیکاری و گچبری به صورت مقرنس از اسلیمی ها و گل های مختلف
چله خانه	۷۳۵ هـ.ق	محل چله نشینی- دارای چهل حجره و گنبد زیبا- در دو طبقه
رواق دارالحفاظ	۷۳۵ هـ.ق	سالن عبادت یا قرائت خانه قرآن- معروف به قندیل خانه- روکش در ها با نقره- مرمت و ساخت سقف مسطح برای آن سال ۱۸۷۵ م
صفه	۷۳۵ هـ.ق	صفه یا قربانگاه- راهرویی برای دو چله خانه-
قبر برجی شاه اسماعیل	۹۰۵ هـ.ق	مقبره شاه اسماعیل- طرح مستطیل شکل به ابعاد ۲.۵ در ۳.۵ متر و گنبد بر روی چهار سکنج فیلبوش و چهار قوس مقاطع و ایجاد ستاره هشت گوش مقعر- کف اتاق با سه نوع کاشی با گل های رنگارنگ- دیوارها دارای کاشی های خشتی، معرق و معقلی
دارالحديث	۹۰۵ هـ.ق	مدرسه مباحث مذهبی- به صورت ایوان ساخته شده و در طرفین ایوان بزرگ دو طاقما با سکنج و مقرنس- تزئینات کاشیکاری و گچبری
جنت سرا	۹۴۳ هـ.ق	میدان دراویش- کتابخانه- فضایی هشت گوش- دارای سقف گنبدی بوده است- در قسمت شمال حیاط ساخت و دارای ایوان بزرگ
سردر بقعه	۹۳۱ هـ.ق	سردر - امروز از بین رفته است.
سردر شاه عباسی	۱۰۳۶ هـ.ق	ورودی صحن روباز در دیوار شمال غربی صحن ساخت، به صورت طاق نما و شامل هشت طاق- تزئینات کاشی و کتیبه
حیاط داخلی	۱۰۰۷ هـ.ق	صحن روباز
سردر عالی قابو	۱۰۵۷ هـ.ق	سردر اصلی- امروز از بین رفته است
حیاط بیرونی	۰	باغ مرکزی- مرمت طاق های دور حیاط در سال ۱۹۸۵ م
شهیادگاه	۰	قبرستان- مدفن مریدان شیخ و شهیدان شیروان در زمان شاه اسماعیل اول و چالدران در زمان شاه عباس اول.

جدول ۴. تجزیه و تحلیل نشانه‌های عناصر معماری آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی براساس رابطه دال و مدلول (مأخذ: نگارندگان با استناد به نصر ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۸۳)

دال	مدلول	دلالیت معنایی	دال	مدلول	دلالیت معنایی
آرامگاه	محل آرامش	اعتقاد به جهان بعد از مرگ و حبّ ذات	قربانگاه	چله خانه	چهل روز روزه گرفتن شیخ صفی- عبادت فردی
گنبد	دایره	آسمان	ساخت	حیاط داخلی	سکون- مکت- فضایی آرام
پلان ۸ ضلعی	عدد ۸	هشت مرتبه سلوک	دالان	پل	عبور به عالم ماوراء
نقش اسم الله	نام خداوند	بازگشت به اصل و مبدأ	دارالحفاظ	قندیل خانه	بازی نور و سایه در سقف- تعلیق میان زمین و آسمان
کاشی ۸ پر	عدد هشت	هشت بهشت- هشت مرتبه سلوک	دارالحديث	محل مباحث مذهبی	بال فقهی اهل طریقت برای رسیدن به حقیقت
کتیبه	تاریخ	اعتقادات- قرآن- حدیث	جنت سرا	محل سماع	بال عرفانی اهل طریقت برای رسیدن به حقیقت
حرم خانه	محل قبر بانوان	محرمیت	ایوان	فضای بینابین	پل ارتباطی بین عوامل زمینی و عوامل زمانی
مقرنس	عنصر تزئینی	فیضان نور در عالم مخلوقی خداوند	سردر	حد و مرز	گذر و انتقال از جهان نامقدس به جهان مقدس
میدان	حیاط اول	خروج از عالم دنیوی و مادی	حیاط بیرونی	باغ	بهشت
عرصه	حیاط دوم	ورود به دنیای باطنی	طاقما	طاق آسمان	اتصال از زمین به آسمان
حوض	آب	پاکی- خلوص	شهیادخانه	محل دفن شهید	فدا کردن جان در راه خداوند

یافته‌های تحقیق

تبیین مفاهیم معنایی آرکی‌تایپ‌ها در فضای عرفانی مجموعه آرامگاه‌های عارفان دوره ایلخانی (شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی)

۱. آرکی‌تایپ «تولد، مرگ، بازتولد»

انسان، مرگ و تولد را به‌تنهایی تجربه می‌کند. ما تنها زاده می‌شویم و تنها می‌میریم. آیا مرگ یعنی بازگشت به زندگی مقدم بر زندگی؟ آیا مردن یعنی بازماندن از زیستن به‌عنوان موجود و سرانجام، رسیدن قطعی به بودن؟ آیا تولد، مرگ است و مرگ، تولد؟ هیچ نمی‌دانیم. گرایش به آغاز زندگی جدید و تولد دوباره همواره مورد توجه بشر بوده و از مهمترین مفاهیم مشترکی است که در ناخودآگاه جمعی بشر به‌وجود آمده است. از منابع اصیل برای مطالعه این کهن‌الگو، قرآن و کتاب مقدس است. حدیث مشهوری را هم عموم صوفیه از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده‌اند که می‌فرماید: «موتوا قبل ان تموتوا»^۱ بمیرید پیش از آنکه بمیرید. یونگ نیز در آثار خود از کهن‌الگوهای بسیاری نام برده است ولی در کتاب چهار صورت مثالی به‌طور مفصل از کهن‌الگویی یاد می‌کند که در بیشتر آثار دیگرش هم از جمله بحث برانگیزترین کهن‌الگوها بوده است. و آن کهن‌الگوی تولد دوباره یا بازتولد^۲ است. (یونگ، ۱۳۶۸: ۶۷). در مجموعه آرامگاه‌های مورد بررسی نیز این کهن‌الگو به‌صورت سلسله‌مراتب حرکتی از مراتب دنیوی به مراتب آخروی و رسیدن به کمال مطلق عینیت یافته است. ترکیب فیزیکی فضاها علاوه بر سلسله‌مراتب دسترسی، به‌عنوان نمادی از طی طریق معنوی و رسیدن به غایت مطلوب به‌کارگرفته شده است. مسیری که از درآیگاه و دالان ورودی و با فعالیت‌های اجتماعی آغاز و به تدریج از این حالت دور شده و ماهیت فردی به خود می‌گیرد و پس از گذار از فضای حجره‌های چله‌نشینی انفرادی و سماع‌خانه‌ها، قربانگاه، ساحت، دالان و ...، مقدمات لازم برای ورود به مقبره فراهم می‌شود. همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد این کهن‌الگو در درون خود شامل کهن‌الگوهای بی‌شماری است که

۱ در کتاب‌های عرفانی جمله «موتوا قبل ان تموتوا» را به‌عنوان حدیث و روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند؛ (آملی، سیدحیدر، جامع الأسرار و منبع الأنوار: ۳۷۸، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸) و برخی از محدثان متأخر نیز از آن به‌عنوان حدیث مشهور یاد می‌کنند؛ (فیض کاشانی، محمدمحسن، الوافی، ج ۴، ص ۴۱۲، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق. و لی برخی آن را عبارتی منتسب به صوفیه می‌دانند) «و قال عنه الحافظ ابن حجر: هو غیر ثابت، و قال القاری: هو من کلام الصوفیه». ابوزکریا یحیی بن معاذ الرازی، جواهر التصوف، ص ۱۴، قاهره، مکتبه الآداب، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.).

² Birth/Death/Rebirth

از آن جمله می‌توان به کهن‌الگوی رشد اشاره نمود که منطبق با سلوک عرفانی در ساختار معماری مجموعه آرامگاه‌ها متجلی شده است و در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

آرکی‌تایپ رُشد (فرآیند فردیت)

همان‌طور که پیشتر گفته شد از مراحل فرآیند فردیت منطبق بر منازل سلوک عرفانی نام برده می‌شود که لازمه شناخت رابطه این مراحل با مراحل طی شده در مجموعه‌های آرامگاهی و نحوه تجلی آن‌ها در ساختار فضای معماری مجموعه‌ها، شناختن هریک از این مراحل می‌باشد.

الف. مرحله اول: «فراخوان» یا «شکار من توسط دوست درونی» و مواجهه با پرسونا (نقاب) به موجب روانشناسی یونگ، فرآیند فردیت یا سازش من خودآگاه با مرکز درونی خود یا «خود» با جریحه‌دار شدن شخصیت و رنج ناشی از آن آغاز می‌شود (یونگ، ۱۳۹۵: ۲۵۳). در این مرحله شخص با پرسونا یا نقابی که بر چهره دارد، مواجه می‌شود. این مرحله با منازل اول و دوم سلوک عرفانی منطبق است. اهل معرفت نخستین منزل از منازل هشتگانه سلوک عرفانی را یقظه و انتباه می‌نامند. یقظه به معنای بیداری و انتباه به معنای به خود آمدن و آگاه شدن است. (دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۶: ۲۲۰). منزل دوم عرفانی نیز که مکمل منزل اول و مقدمه منزل دوم است «طلب و اراده» می‌باشد. وقتی اراده در مرید پدیدار شد، طلب نیز وجود او را فرامی‌گیرد (همان: ۲۲۳).

در مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد نطنزی: درآیگاه ورودی، هشتی

در مجموعه آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی: میدان یا حیاط اول

بخش نخست در مجموعه شیخ عبدالصمد نطنزی، شامل درآیگاه ورودی خانقاه و فضای هشتی است که بین ورودی و خانقاه قرار دارد. طالبان جنت برای ورود به خانقاه باید از این بخش گذر کنند و مسیری را طی کنند که با فعالیت‌های اجتماعی آغاز شده، عالم مادی و دنیوی را پشت سر گذاشته و به تدریج از این حالت دور شده و ماهیتی فردی به خود می‌گیرد تا شرایط آمادگی برای ورود به دنیای باطنی فراهم گردد. در مراحل سیر رسیدن به مقبره شیخ صفی نیز، اولین مرحله میدان یا حیاط اول است. این میدان به نوعی نماد شریعت به شمار می‌آمده و به علت آمیخته بودن با عملکردهای شهری حکایت از ویژگی‌های وادی طلب دارد (رضازاده اردبیلی، ۱۳۹۰: ۸۷). این بخش منطبق با مرحله اول کهن‌الگوی فرآیند فردیت در نظر گرفته می‌شود. (تصویر ۸)

ب. مرحله دوم: دیدار با سایه

کهن‌الگوی پرسونا وجه بیرونی و اجتماعی شخصیت فرد را که در معرض دید عموم قرار دارد، شامل می‌شود. کهن‌الگوی «سایه» نیز آن بخش از شخصیت است که فرد ترجیح می‌دهد آنرا آشکار نکند؛ بدین مفهوم که سایه شامل بخش‌های تاریک، سازمان نیافته و سرکوب شده است (پالمر، ۱۳۹۵: ۱۷۲). در دیدگاه یونگ، کهن‌الگوی سایه همچون کهن‌الگوی «نفس» تاحدود زیادی در ضمیر

ناخودآگاه فردی قرارداد (میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۱۰). مرحله دیدار با سایه منطبق با مرحله دشواری است که پس از مراحل یقظه و انتباه و اراده و طلب، پیش روی سالک قرار می‌گیرد. (همان: ۱۲). در مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد نطنزی: حجره‌ها (محل مراقبه فردی یا چله‌خانه) در مجموعه آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی: عرصه یا حیاط دوم، قربانگاه در مجموعه شیخ عبدالصمد نطنزی، بعد از عبور از هشتی و دالان، چله‌نشین‌ها و حجرات انفرادی^۱ قراردادند. این حجرات با دارا بودن درهای کوتاه، محل ریاضت مریدان و تزکیه نفس، با توجه به مراتب آنان بوده است. همان‌طور که در معماری اسلامی در تمامی ابنیه، با تقسیم فضا به بیرونی و درونی، در ایجاد محیطی پالوده برای مراقبه و تمرکز بر امور ویژه متمرکز است (کریمی ملایر و گذشته، ۱۳۹۶: ۷۰)، در این مجموعه نیز این ویژگی به صورت بارز دیده می‌شود و بازتاب مشخصه‌های تاریخی تصوف همان دوره است. در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، حیاط دوم یا عرصه، مرحله دوم از مراحل طی شده در مجموعه می‌باشد. این حیاط مستطیل شکل و دارای تناسباتی کشیده است، مسیری مستقیم که حتی حوض آب در مرکز حیاط واقع نشده و انسان را از مسیر منحرف نمی‌سازد بلکه دو سوی راه قرار گرفته و سد راه سالک نیست. مرحله بعد نیز در مراحل تقرب به مقام شیخ قربانگاه^۲ می‌باشد. در چله‌خانه‌ها به این فضا بازمی‌شدند و این امر حکایت از اهمیت درنگ و حضور در این فضا دارد. ماندلسلو^۳ که در سال ۱۶۷۹ از اردبیل دیدن کرده می‌نویسد "این محل را چله‌خانه می‌نامیدند زیرا شیخ صفی سالی چهل روز در آنجا روزه می‌گرفت" (صفری، ۱۳۵۳: ۲۰۸). این بخش منطبق با مرحله دوم کهن‌الگوی فرآیند فردیت در نظر گرفته می‌شود.



^۱ از بنای خانقاه این مجموعه، فقط سردر آن باقی مانده و مابقی از بین رفته‌اند.

^۲ این بخش قدیمی‌ترین عنصر مجموعه است، بیشتر از دیگر بخش‌ها آسیب‌دیده و در حال حاضر حیاطی متروک و مربع شکل است که در جبهه غربی آن، حجره‌هایی با نمایی آجری و طاق قوسی وجود دارد.

^۳ Johan Albrecht de Mandelslo

ج. مرحله سوم: دیدار با آنیما و آنیموس

در مقابل کهن‌الگوی سایه که به عقیده یونگ بیشتر در ناخودآگاه فردی قرار دارد، کهن‌الگوی دیگری در ناخودآگاه جمعی یافت می‌شود که به خصوصیات جنسیتی متقابل روان مربوط است (پالمر، ۱۳۹۵: ۱۷۳). در جریان فرایند فردیت، یونگ مرحله بعد از برخورد با نیروهای منفی سایه (تزکیه نفس) را کشف لایه‌های آنیمایی و آنیموسی می‌داند. واژه آنیما و آنیموس در اصل از معادل لاتین واژه «روح» مشتق شده است. (بیلسکر، ۱۳۹۱: ۶۰). ادغام آنیما و آنیموس قدم بعدی به سوی تمامیت است (رابرتسون، ۱۳۹۸: ۲۴۳). مرحله دیدار با آنیما و آنیموس، تشابهاتی برجسته با منازل احوال و عشق عرفانی دارد (میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۷).

در مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد نطنزی: جماعت خانه (محل عبادت و ذکر اوراد جمعی).

در مجموعه آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی: ساحت یا حیاط داخلی، دارالحديث، جنت سرا، دالان.

در خانقاه شیخ عبدالصمد، جماعت‌خانه مهمترین قسمت خانقاه بوده، جایی برای جمع صوفیان، چه برای اعمال فردی، از عبادت و استراحت و چه اعمال جمعی. جماعت‌خانه، محل وعظ و مجلس گفتن شیخ و سماع بوده است. "چون باید از دید اغیار دور باشد، در جایی مسقف می‌بود که تجمع و گردش و حرکت دست و پا در حال شوریدگی در آن ممکن باشد" (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۳: ۷۷). در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز ساحت یا حیاط داخلی، پس از عبور از قربانگاه، فضایی آرام را به وجود می‌آورد، فضایی که در آن تنها صدای قرآن خواندن قاریان که در دارالحفاظ صورت می‌گرفت به گوش می‌رسید. در قسمت جنوبی حیاط ساحت دارالحديث قرار داشت که در آن به مسائل فقهی و آموزشی پرداخته می‌شده است. در سوی دیگر این حیاط و در مقابل دارالحديث، جنت‌سرا^۱ قرار داشت که مکان سماع دراویش بوده است. در واقع دارالحديث و جنت‌سرا دو بال فقهی و عرفانی اهل طریقت را برای رسیدن به حقیقت تشکیل می‌دادند (رضازاده اردبیلی، ۱۳۹۰: ۸۹). در مرحله بعد، فضایی به اسم دالان با ابعادی کوچک و تناسباتی کشیده حواس انسان را به عالم بالا می‌خواند و امکان توجه به غیر را از انسان سلب می‌نماید. این بخش منطبق با مرحله سوم کهن‌الگوی فرآیند فردیت در نظر گرفته می‌شود.

د. مرحله چهارم: دیدار با «خود» و «به‌یگانگی رسیدن با آن»
 رتال جامع علوم انسانی

^۱ - این مکان بعدها به نام مسجد جنت‌سرا شناخته شد ولی دارای محراب نبوده و در جهت قبله نیز بنا نگردیده است.

«خود» یکی از برجسته‌ترین و درعین حال مبهم‌ترین کهن‌الگوهای است که یونگ آن را مطرح کرده است. به عقیده او نخستین تجلی‌های «خود» به صورت «ماندالا»^۱ یا «تصاویر چهارگانه» ظهور می‌کند (شایگان، ۱۳۵۵: ۱۱۴). از نظر یونگ، تمام زندگی فرد برخاسته از «خود» است و تمام اهداف علی و غایی او به سمت وسوی آن جهت می‌یابد (پالمر، ۱۳۹۵: ۱۷۵). در این دیدگاه، خود مظهر خداست. خود و خدا ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. خود، خدایی در درون ماست (آرگایل^۲، ۱۳۸۴: ۳۳۰). دیدار با خود و به یگانگی رسیدن با آن غایتی است که در عرفان اهمیتی ویژه دارد. در تقسیم‌بندی منازل عرفانی بر مبنای فرآیند فردیت، دو منزل «سکر و حیرت» و «فناء فی الله و بقاء بالله» که مقدمه منزل نهایی «توحید» است، در زیرگروه مرحله چهارم، یعنی «دیدار با خود» قرار می‌گیرد (میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۲۴).

در مجموعه آرامگاهی شیخ عبدالصمد نطنزی: مقبره

در مجموعه آرامگاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی: گنبد الله الله یا مقبره شیخ

مقبره شیخ عبدالصمد نطنزی، جنبه‌ای برون‌گرایانه دارد که با استفاده از ابزارهای گوناگون همچون نوع گنبد (رُک هشت وجهی) و سردر و تزئینات منحصر به فرد اوج شکوهمندی در هستی را به نمایش گذاشته است. رنگ فیروزه‌ای کاشیکاری گنبد به نحوی انتخاب شده که در زمینه رنگ آسمان، گویی آینه‌ای است در برابر آن؛ آسمان در گنبد منعکس شده و وجه آسمانی بودن گنبد را دوچندان کرده است. در زیر گنبد هشت وجهی نیز هندسه مقرنس‌ها نوعی بازی نور و تاریکی خلق کرده است. نقشه این فضا بر اساس کهن‌الگوی چلیپا شکل گرفته است. چلیپا یا چرخ زندگی نمادی از نیروهای نهفته در طبیعت به شمار می‌آمده است. چلیپا دارای نمادهای بسیار از جمله خورشید، چهار عنصر (آب، باد، خاک و آتش)، نماد پیدایش، چرخ هستی، نمایان‌گر کثرت و رسیدن به وحدت و بازگشت به آفریننده است. در معماری نیز نقطه تلاقی در چلیپا نقطه‌ای است که روح از جسم مادی جدا شده و به ملکوت می‌رسد (کشتگر ۱۳۹۱، ۶۴، به نقل از ذاکرین ۱۳۹۰). هشت نیز از اعداد مقدس در هنر و معماری اسلامی به شمار می‌رود. برای عبور از مربع به عنوان رمز زمین و رسیدن به گنبد که رمز آسمان است، به هشت وجهی نیاز داریم که در واقع هشت^۳، رمز از عالم برون به عالم درون است، گذر از عالم

^۱ Mandala

^۲ Michael Argyle

^۳ عدد هشت به جهت کاربرد ویژه‌ای که در هنر و معماری اسلامی دارد، از جمله اعداد قابل تأمل است. در قرآن و روایات، تعداد بهشت‌ها و تعداد ملائک حامل عرش، هشت برشمرده شده است. شیخ اشراق برای اولین بار از عالم مثال سخن می‌گوید و به آن عنوان «اقلیم هشتم» می‌دهد (وثوق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۵). از آنجاکه عالم مثال واسط میان عالم محسوس و معقول است، عدد و صورتی را به خود اختصاص می‌دهد که در میانه این

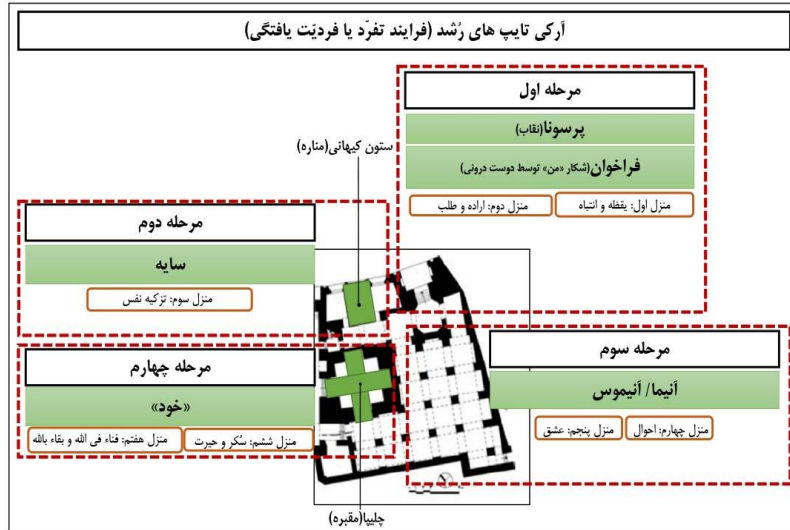
محسوس به عالم معقول (وثوق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۴). مناره به معنی محل صدور نور (نوری که مسیر تاریک انسان را در این جهان روشن می‌کند) در جوار گنبد، نیز از نمادهای آرکی‌تایپی به‌عنوان ستون کیهانی است که در این مجموعه نمایانگر حضور مکانی قدسی و ارتباطی قدسی و مستقیم با عالم ماوراء است (گلابچی و زینالی‌فرید، ۱۳۹۳: ۱۰۶). مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی یا گنبد الله نیز با نمای آجری استوانه‌ای شکل بر روی قاعده هشت ضلعی، براساس طرح ماندالایی^۱ ساخته شده است و نمایش سلسله‌مراتب حرکتی و گذر قدسی است. ماندالا ارتباطی متافیزیکی با این آیه قرآن دارد: " او اول است و آخر است و ظاهر است و باطن است، از همه چیز آگاه است"^۲. اول منشا تمام موجودات است، " اصل تا جایی که بر ظهور مقدم باشد". تولد و آغاز است، مرکز و نقطه است. اول بهشتی است که انسان آرزوی بازگشت به آن را دارد و در حالت ازلی، ماندالا به‌عنوان نماد تجلی، این ساختار را فراهم می‌کند. آخر، مرگ و بازگشت دوباره به سوی اوست (اردلان، ۱۳۹۴: ۶۱). بنابه گفته نصر نیز فضای خالی، رمز هم تعالی پروردگار و هم حضور او در تمام اشیا است (نصر، ۱۳۹۴: ۱۹۷). این بخش منطبق با مرحله چهارم فرآیند فردیت در نظر گرفته می‌شود.

آنچه در این مقاله در خصوص تحلیل آرکی‌تایپی فضای عرفانی مجموعه آرامگاه‌های شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی بیان‌گردید را می‌توان به‌صورت ذیل در نقشه معماری این مجموعه‌ها به‌اجمال تصویر نمود. (تصویر ۴ و ۵)

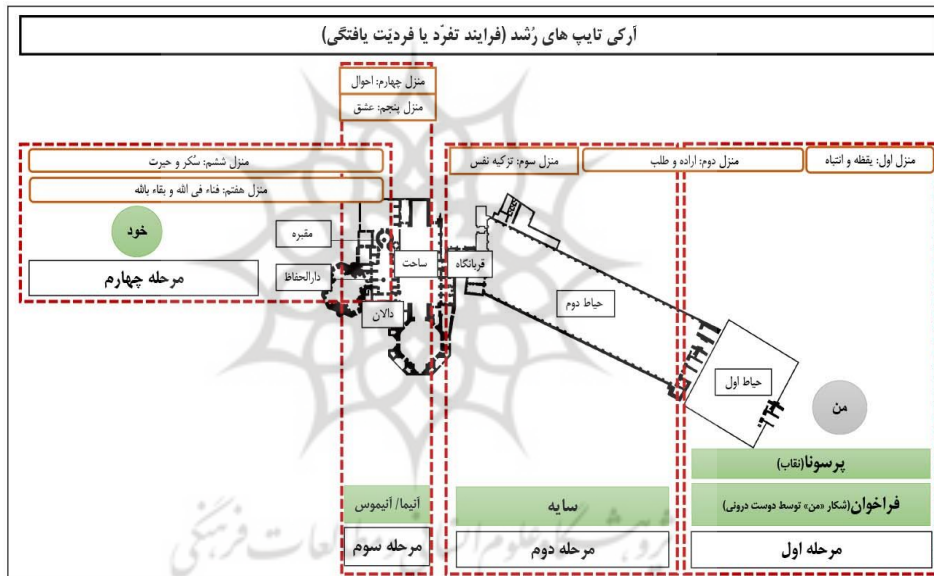
دو، تعریفی گردد. با تطبیق شکل دایره بر عالم معقول و شکل مربع بر عالم محسوس، شکل و عدد عالم مثال حد واسط دایره و مربع خواهد بود. از نظر رنه گنون فرم هشت‌وجهی گویاترین فرم به‌شمار می‌رود. بنابراین به نظر می‌رسد که معماران اسلامی در کاربرد عدد هشت و هندسه هشت‌وجهی در کالبد معماری، به معنی رمز عالم مثال و اقلیم هشتم نظر داشته‌اند (همان: ۱۸۵).

^۱ -ماندالا یا دایره جادویی قرن‌هاست که در معابد هند و چین مورد نقاشی قرار می‌گیرد. ماندالا از اجزایی تشکیل شده که این اجزاء در جهت‌های مختلف قرار گرفته‌اند ولی با هم به یک تمامیتی می‌رسند و در واقع ماندالا اتحاد اجزایی است که با همدیگر متضاد و متفاوت هستند ولی می‌توانند در کنار هم یک تمامیت منسجم را ایجاد کنند. علت علاقه بیش‌ازحد یونگ به ماندالا در این است که به عقیده یونگ رسالت زندگی انسان، در این نماد به نمایش گذاشته می‌شود. انسان در واقع اتحاد بین عناصر متضاد است؛ مثل زمینی‌بودن و آسمانی‌بودن، عاطفی‌بودن و عقلانی‌بودن، مردانگی و زنانگی، و

^۲ -هو الأول هو الآخر هو الظاهر هو الباطن. (حدید/ ۳).



تصویر ۴. تحلیل آرکی‌تایپی فضای عرفانی در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنزی (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۵. تحلیل آرکی‌تایپی فضای عرفانی در آرامگاه شیخ صافی الدین اردبیلی (ماخذ: نگارندگان)

نتیجه گیری

آنچه در این مقاله درخصوص ارتباط میان کهن‌الگوها و ساختار معماری فضای عرفانی مجموعه آرامگاه‌ها بیان گردید، خوانش معنایی جدیدی از این مجموعه‌ها ارائه می‌دهد که به‌اجمال در جدول ذیل بیان شده‌است (جدول ۵).

مجموعه آرامگاه‌های شیخ عبدالصمد و شیخ صفی، روایتی هنرمندانه‌اند از سلوک عارفانه انسان‌هایی که در جست‌وجوی فضایی استعاری و عرفانی برای فهم عالم هستند. در پایان فرآیند فردیت، کهن‌الگوی تمامیت و کمال با میانجی‌گری آنیما/آنیموس شکوفامی‌شود و به سطح خودآگاه ذهن می‌رسد. به‌این ترتیب، با سازگاری و یکپارچگی خودآگاه و ناخودآگاه، ماندالا (دایره/چرخه) کمال شکل می‌گیرد. به عقیده اهل معرفت نیز سالک در پایان سیر کمالی خود، در منزل هشتم، انتهای قوس صعودی دایره کمال خویش را به ابتدای قوس نزولی پیوندمی‌زند و به مقام کمال می‌رسد. در معماری نیز دایره، علامت وحدانیت اصیل و آسمان است و در مرکز، همه چیز با همزیستی به وحدت می‌رسند که در فضای عرفانی این مجموعه آرامگاه‌ها در مرکز آرامگاه و به‌صورت «عروج» در گنبد آن‌ها نمایان است. با این فرض، به‌نظر می‌رسد علاوه بر تأثیر مسائل اجرایی، سازه‌ای، مصالح و فنون زیبایی‌شناسی دوره ایلخانی در شکل‌گیری آرامگاه‌های این دوره، کهن‌الگوها نیز در ساختار معماری این مجموعه‌ها بازتاب یافته باشند. و در نهایت اینکه کهن‌الگوها نشأت گرفته از ناخودآگاه جمعی بشر، در طول سالیان پایدار مانده‌اند و می‌توانند به‌عنوان الگویی تأثیرگذار در طراحی فضا در نظر گرفته شوند. فضاهای معماری واسطه‌هایی هستند برای بیان این حقایق همیشه زنده، که به‌صورت مختلف امکان تجلی می‌یابند. این تحقیق نقطه شروعی است برای پژوهش‌های آینده جهت رسیدن به زبان مشترک معماری آرامگاهی ایران از طریق شناسایی کهن‌الگوها به‌عنوان ابزار معرفی تازه در فهم معانی و دریافت پیام‌هایی نو از این بناهای ارزشمند.

جدول ۵. فرآیند خوانش معنایی مجموعه آرامگاه‌های شیخ عبدالصمد و شیخ صفی براساس تحلیل آرکی‌تایپی، زبان عرفان دوره ایلخانی و رمزگان معماری (مأخذ: نگارندگان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رمزگان معماری							
آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنزی				آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی			
رمزگان تکنیکی							
شبهه ساخت گنبد (گنبد رک هشت ضلعی با پلان چلیپایی و روزنه های نورگیر بالای گنبد در هشت نقطه - استفاده از مصالح کاشی (کاشی ستاره هشت پر)، نیم ستون های آجری و مقرنس کاری روی گنبد - سردر خانقاه با طاق نماها (با طاق پنج او هفت) - کاشیکاری و گچکاری دوره ایلخانیان				شبهه ساخت گنبدالله (گنبد پیازی شکل با پلان منور و از داخل هشت ضلعی) - گنبد حرم خانه (نیم دایره با فیلیوش) - تزئینات مقرنس چینی خانه - گنبد مقبره شاه اسماعیل (گنبدی بر روی چهار سکنج فیلیوش) - تزئینات کاشیکاری و گچبری - معرق - معقلی - طاقماهای آجری			
رمزگان نحوی							
اهمیت توجه به سقف، پرداخت هندسی و زیبایی شناسی زیر گنبد - حرکت از تاریکی به سمت نور - بنا، مظهر تنوع و تکرار اشکال، رنگ ها و نقوش هندسی و مظهر اسماء الهی - شکلگیری کالبد بنای خانقاه بر اساس کارکردهای زاویه، چله نشینی و سماع - کشیدگی اغراق آمیز مناره به سمت آسمان				تأثیر تفکر طریقت بر شکلگیری مجموعه - سلسله مراتب حرکتی فضاها بوسیله حیاط ها و درآگاههای متعدد - ترکیبی از هم پیوستن چندین رشته هنری (معماری، نقاشی، خطاطی، کاشیکاری، گچبری، طلاکاری، نقره کاری، منبت و تذهیب) - بنا مظهر نقوش هندسه اسلامی و اسماء الهی			
رمزگان معنایی							
دلالت های معنایی عمیق تر در بررسی نشانه ای عناصر معماری مجموعه ها (دلالت های معنایی گنبد (آسمان)، عدد ۸ (هشت مرتبه سلوک)، مقرنس (فیضان نور در عالم مخلوقی خداوند)، چلیپا (چرخ هستی)، محراب (دروازه ای رو به بهشت)، روزنه نورگیر (نور و آگاهی)، درآگاه (گذر از جهان نامقدس به جهان مقدس)، دالان (پل عبور به عالم ماوراء)، قربانگاه (عبادت فردی و تزکیه نفس)، سماع خانه (حلقه ارتباط بین انسان و خدا)، حوض (پاکی و خلوص)، دارالحدیث و جنت سرا (دو بال فقهی و عرفانی اهل طریقت برای رسیدن به حقیقت) و ... و دلالت های معنایی تبدیل دال به مدلول و برعکس و در هم تنیدگی نشانه ها تا بی نهایت.							
خوانش معنایی آرامگاهها بر اساس تطبیق کهن الگوهای یونگ، زبان عرفان دوره ایلخانی و رمزگان معماری							
تجلی کهن الگوی «تولد، زندگی و مرگ» در مجموعه های آرامگاههای شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی							
تجلی کهن الگوی «فرایند فردیت» در مجموعه های آرامگاههای شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی							
مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم
من (مواجهه با پرسونا)	سایه	آنیما-آنیموس	خود	من (مواجهه با پرسونا)	سایه	آنیما-آنیموس	خود
مراتب سلوک عرفانی منطبق با کهن الگوی فرایند فردیت							
منزل اول و دوم	منزل سوم و چهارم	منزل پنجم و ششم و هفتم	منزل اول و دوم	منزل اول و دوم	منزل سوم و چهارم	منزل پنجم و ششم و هفتم	منزل اول و دوم
بفقطه و آنتیاه	اراده و طلب	احوال	سکر و حیرت	عشق	ترکیه نفس	اراده و طلب	بفقطه و آنتیاه
اراده و طلب	عشق	فناء	عشق	فناء	عشق	فناء	عشق
انطباق کهن الگوهای یونگ و مراتب سلوک عرفانی در ساختار معماری آرامگاههای شیخ عبدالصمد نطنزی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی							
آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنزی				آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی			
منطبق با مرحله اول	منطبق با مرحله دوم	منطبق با مرحله سوم	منطبق با مرحله چهارم	منطبق با مرحله اول	منطبق با مرحله دوم	منطبق با مرحله سوم	منطبق با مرحله چهارم
درآگاه ورودی	حجره ها	جماعت خانه	مقبره	میدان	عرصه (حیاط دوم)	ساحت (حیاط داخلی)	گنبد الله الله هشتی
	(چله خانه)	(سماع خانه)	(مقبره شیخ)	(حیاط اول)	قربانگاه	دارالحدیث-جنت سرا	(مقبره شیخ)
سلسله مراتب فضایی مجموعه آرامگاهها منطبق با کهن الگوهای «تولد، مرگ، بازتولد» و «فرایند فردیت» و سفر عرفانی سالک در عبور از کثرت به وحدت							



منابع و مأخذ

۱. احمدوند، ولی محمد، و محمدرضا تاجیک، (۱۳۹۶)، زبان عرفان و قدرت در عصر ایلخانان، فصلنامه ذهن، سال نوزدهم، شماره ۷۴، صص ۲۳۷-۲۶۰.
۲. اردلان، نادر، و لاله بختیار، (۱۳۹۴)، حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی، تهران: علم معمار.
۳. آرگایل، مایکل، (۱۳۸۴)، یونگ و نمادپردازی دینی، ترجمه محمدرضا محمدپور، نقد و نظر، سال ۱۰، شماره ۱ و ۲، صص ۳۲۸-۳۳۶.
۴. ازه‌ای، تقی، و مهدی عرب‌جعفری، (۱۳۹۶)، مقایسه کهن‌الگوهای یونگ با شیوه عرفانی ابوسعید، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۶۷-۹۷.
۵. اکو، امبرتو (۱۳۹۶)، کارکرد و نشانه: نشانه‌شناسی معماری، در نشانه‌شناسی، توسط امیرعلی نجومیان. ترجمه محمد رجب‌پور، تهران: مروارید.
۶. بوخهولز، ساین، و یان مانفرد، (۱۳۹۱)، فضا در روایت، ترجمه مهدی فیضی، دانشنامه روایت-شناسی، گردآوری محمد راغب، تهران: علم.
۷. بیلسکر، ریچارد، (۱۳۹۱)، اندیشه یونگ، ترجمه حسین پاینده، تهران: فرهنگ جاوید.
۸. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، (۱۳۷۸)، بناهای آرامگاهی (دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی)، تهران: حوزه هنری.
۹. پالمر، مایکل، (۱۳۹۵)، فروید، یونگ و دین، ترجمه محمد دهقانپور و غلامرضا محمودی، تهران: رشد.
۱۰. حسینی، سیدهاشم، (۱۳۸۸)، بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی: بنا بر آراء ابوسعیدالخیبر، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۳۸، صص ۱۵-۲۴.
۱۱. دهباشی، مهدی، سیدعلی اصغر میرباقری فرد، (۱۳۸۶)، تاریخ تصوف (۱)، جلد ۲، تهران: سمت.
۱۲. دهقان، نرگس و غلامحسین معماریان، (۱۳۹۰)، مقایسه تطبیقی مفهوم عروج در مشترکات معنایی کهن‌الگو با کالبد معماری، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر، س ۱، ش ۲، صص ۸۷-۱۰۰.
۱۳. رابرتسون، رابین، (۱۳۹۸)، کهن‌الگوهای یونگی، ترجمه بیژن کریمی، تهران: دف.
۱۴. روضاتیان، سیده‌مریم، و سیدعلی اصغر میرباقری فرد، و مهنوش مانی، (۱۳۹۱)، نقد و تحلیل کهن‌الگوی سایه باتوج به مفهوم نفس در عرفان، نشریه ادب و زبان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۵، شماره ۳۲، صص ۸۶-۱۰۳.

۱۵. رضازاده‌اردبیلی، مجتبی، و حمیدرضا انصاری، (۱۳۹۰)، تأثیر تفکر طریقت بر شکل‌گیری مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره هفت، شماره ۴، صص ۸۱-۹۶.
۱۶. رئیسی، احسان، (۱۳۹۵)، دیدگاه نسفی درباره سلوک عرفانی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، س ۷، ش ۱۳، صص ۶۶-۸۴.
۱۷. زاره، فردریش، (۱۳۸۵)، اردبیل بقعه شیخ‌صفا، ترجمه صدیقه خوانساری، تهران: فرهنگستان هنر.
۱۸. ساکی‌انتظامی، سعیده، و فرخ‌زاد، ملک‌محمد، و حسینی‌کازرونی، سیداحمد، (۱۳۹۸). آرکی‌تایپ و مفهوم عرفانی پل در مصیبت‌نامه عطار. فصلنامه علمی پژوهشی عرفان‌اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۵(۶۰)، ۲۵۴-۲۷۳.
۱۹. شایگان، داریوش، (۱۳۸۰)، بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، تهران: امیرکبیر.
۲۰. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، موسیقی شعر، تهران: آگاه.
۲۱. صفری، حاجی‌بابا، (۱۳۵۳)، اردبیل در گذر زمان، تهران: بهارستان.
۲۲. قشقایی سعید، سرورزاده محبوبه‌السادات، (۱۳۹۰)، تحلیل آرکی‌تایپی سه حکایت عرفانی از الهی‌نامه، عرفان‌اسلامی (ادیان و عرفان)، ۷(۲۷)، صص ۰-۱۰.
۲۳. قیومی بیدهندی، مهرداد، سینا سلطانی، (۱۳۹۳)، معماری گمشده: خانقاه در خراسان سده پنجم، دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، ش ۶، صص ۶۵-۸۶.
۲۴. کریمی ملایر، حامد‌رضا ناصر گذشته، (۱۳۹۶)، عناصر نمادین در معماری خانقاه‌های ایران از سده هفتم هجری تاکنون، مجله علمی-پژوهشی مطالعات عرفانی، ش ۲۵، صص ۸۴-۶۳.
۲۵. کشتگر، ملیحه، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی چلیپا به‌عنوان نماد دینی در تمدن‌های ایران باستان، بین‌النهرین، هند و چین، فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، س ۵، ش ۱۲، صص ۶۳-۷۲.
۲۶. کیانی، محسن، (۱۳۸۹)، تاریخ خانقاه در ایران، تهران: طهوری.
۲۷. گلابچی، محمود، و آیدا زینالی‌فرید، (۱۳۹۳)، معماری آرکی‌تایپی (کهن‌الگویی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. لین، جورج، (۱۳۸۹)، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، ترجمه سیدابوالفضل رضوی، تهران: امیرکبیر.
۲۹. محمدی، علی و مریم اسمعیلی‌پور، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی کهن‌الگوی نقاب در آراء یونگ و ردپای آن در غزل‌های مولانا(غزلیات شمس)، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، س ۸، ش ۲۶، صص ۱۵۱-۱۸۳.

۳۰. مدنی، امیرحسین، (۱۳۹۷)، بررسی نمادها و کارکردهای کهن‌الگوی «دایره» با تأکید بر تفکر اسطوره‌ای و عرفانی، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۴، شماره ۵۳، صص ۲۸۱-۳۲۰.
۳۱. معاریان، غلامحسین، (۱۳۹۶)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران: مؤلف.
۳۲. معاریان، غلامحسین، محمدعلی طبرسا، (۱۳۹۲)، گونه و گونه‌شناسی معماری، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ش ۶، صص ۱۰۳-۱۱۴.
۳۳. میرباقری‌فرد، سیدعلی‌اصغر، (۱۳۹۱)، عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی؟ (تاملی در مبانی تصوف و عرفان اسلامی)، نشریه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ادب عرفانی، ش ۶، صص ۶۵-۸۸.
۳۴. میرباقری‌فرد، سیدعلی‌اصغر و طیبه جعفری، (۱۳۸۹)، مقایسه تطبیقی سیر کمال‌جویی در عرفان و روان‌شناسی یونگ، ادبیات عرفانی، دوره ۲، ش ۳، صص ۱-۳۲.
۳۵. میرباقری‌فرد، سیدعلی‌اصغر، و زینب رضاپور، (۱۳۹۲)، تحلیل و مقایسه فنا و بقا در سنت عرفانی اول و دوم، مجله علمی-پژوهشی مطالعات عرفانی، دانشگاه کاشان، ش ۱۷، صص ۱۷۵-۲۰۴.
۳۶. نصر، سیدحسین، (۱۳۹۴)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.
۳۷. وثوق‌زاده، وحیده و محبوبه حسنی‌پناه، و بابک علیخانی، (۱۳۹۵)، حکمت عدد هشت در هنر و معماری اسلامی، جاویدان خرد، ش ۳۰، صص ۱۷۵-۱۹۲.
۳۸. ویلبر، دونالد، (۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۹. یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۹۷)، کتاب سرخ، ترجمه محمدرضا اخلاقی‌منش، تهران: مصدق.
۴۰. -----، (۱۳۹۵)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: دیبا.
۴۱. -----، (۱۳۶۸)، چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد: آستان قدس رضوی.
42. Jung, C.G. 1990. **The Archetypes and Collective Unconscious**. Translator: Hull, R. F., tenth printing, Newyork: princeton University.
43. Quincey, Christian de, 2011, **Archetypes** (An illustrated guide to the Seven Archetypes of Consciousness that guide and transform our lives), The wisdom Academy, christiandquincey.com
44. Eco, Umberto. 1976. **A theory of semiotics**. Bloomington: Indiana University press.

An Archetypal Analysis of the Mystical Space in the Tombs of the Ilkhanid Period Mystics

(Sheykh Abdolsamad Natanzi & Sheykh Safieddin Ardabili)

Elnaz Behnoud
Assistant Professor, Department of Architecture, Sardroud Center, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Lida Balilan*
Associated Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Dariush Sattarzadeh
Department of Urban Development, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Abstract

Jung's analytical psychology is a new introduction tool for understanding meanings and receiving new messages from artistic and literary sources. According to this theory, archetypes are symbolic images in mythology and cultures that have replaced similar concepts in the subconscious of humanity. Among the architectural works, the tomb of the Ilkhanid period as mystical spaces is one of the best areas for the emergence of these archetypes. One of the key archetypes that has been introduced in Jung's analytic psychology is the archetype of "process of individuality" that deals with spiritual questions about the meaning of life and the goal of creation. Based on the purpose of this study, which is the recognition of archetypes semantic concepts, using qualitative content method, the techniques used in sign perception have been used. Assuming that attention to the journey from the material world to the afterworld has always been considered in literature and mysticism, this archetype seems to be reflected in the architectural structure of the intended tombs.

Keywords:

archetype, mysticism, tomb, mystical architecture, Ilkhanid period.

* Corresponding Author: lidabalilan@hotmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی